



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 15 rd.
Year/NO: 4 winter 2022

ضرورت‌های نظری و عملی اسلامی سازی علم حسابداری با طرح نظریه فقه حسابداری

علی متین^۱ میکائیل جمال پور^۲ ابراهیم نویدی عباسپور^۳ اکبر کنعانی^۴ حیدر محمدزاده سالطه^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده

با توجه به اینکه فقه حسابداری موضوع جدید و مهمی است این مقاله با هدف بررسی مدل فقهی و اخلاق اسلامی حسابداری و شکوفاسازی آن از نگاه اسلامی نوشته شده و روش تحقیق آن کیفی است که از طریق روش تحلیل مضمون با محوریت آیات قرآن کریم و مسایل فقهی و اخلاقی انجام شده است. با طرح این سؤال اصلی پژوهش که آیا حسابداری فعلی با استانداردهای ملی و بین المللی از نظر روش شناسی، مسیر صحیحی را به منظور توسعه اسلامی طی کرده است؟ این پژوهش بیان می کند که تمام نیازهای رشد و کمال در دین مبین اسلام موجود است و تنها هدایت الهی می تواند موجبات شکوفاسازی صحیح آنها را فراهم سازد و بدرستی به مقصد مطلوب هدایت کند. از جمله نتایج تحقیق می توان به کمبود فعالیتهای پژوهشی در حوزه فقهی حسابداری و عدم تطبیق روش شناسی تحقیق از نظر مواردی همچون منابع مورد استفاده، روایی و پایایی، روش تحقیق، جامعه و نمونه پژوهشها، به منظور توسعه حسابداری اسلامی اشاره کرد. و این نتیجه کلی به دست آمد که تمام مشکلات به عدم پای بندی به شیوه ها و روشهای اسلامی در مقابل راهبرد و شیوه های القائی سازمان های جهانی بر می گردد. راهبرد اساسی برای رهایی از این مشکلات، شناخت مبانی اسلام و حرکت علمی اجتماعی تا حصول نتایج علمی و عملی در این زمینه (فقه حسابداری) است.

واژه های کلیدی: فقه حسابداری، اخلاق، قرآن کریم، اقتصاد، بازار

ali.matin63@gmail.com

Dr_jamalpour@pnu.ac.ir

ebrahim.navid@marandiau.ac.ir

akbarkanani2000@yahoo.com

salteh2008@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسوول).

۲. استادیار فلسفه، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۹۷۶۳-۵۱۹۳۹ تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

۴. استادیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

۵. استادیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

مقدمه

انسانی که در جامعه زندگی میکند احتیاجاتی دارد که توسط جامعه به آن پاسخ داده می شود. حکومت ها در جامعه مسئولیت مهمی در این زمینه دارند که با اجرای سیاست های صحیح و عادلانه مالی ، امور ضروری جامعه را محقق سازند و در این زمینه جامعه اسلامی با هدف ایجاد قسط و عدل در جامعه و تحقق عدالت اجتماعی ،وظیفه سنگین تری بر عهده دارد که با به کارگیری ساختارهای مالی صحیح و مناسب در جامعه ،نظام مالی جامع و پویا و پاسخگو داشته باشد. اولین رمز پیروزی در نظام مالی یک جامعه استقلال و بی نیازی آن است که امروزه به آن خو کفایی می گویند. زمامدار حکومت اسلامی باید قدرت و توانایی لازم را جهت پیشبرد امور اقتصادی جامعه داشته باشد. حق تنظیم کامل مسائل مالی جامعه بر عهده زمامدار است (جعفری، ۱۳۸۰، ج. ۹، ص. ۳۵). در اولین مرحله برابری و تساوی حق و تحقق عدالت اجتماعی ، کاهش فقر، جلوگیری از فساد مالی (فساد، رشوه، تبعیض) از نکات بارزی است که زمامداران را در عرصه عمل سخت به چالش می کشاند .

استقلال مالی

نظام مالی سالم نظامی است که متکی و خودکفا باشد تا بتواند با حفظ استقلال و به دور از وابستگی های مالی ،سیاست های اجرایی خود را پیش برد. علی علیه السلام در طرد وابستگی و تبعات منفی آن به نکته روان شناسانه دقیق و جالبی اشاره کرده و می فرماید: اگر ملتی کمکی خواست و ملت دیگر کمک داد خواه و ناخواه اولی برده و اسیر دومی است و اگر بخواهی با ملتی در استقلال برابراباشی ، باید از او بی نیاز شوی (مطهری، ۱۳۶۱، ص. ۴۲).

زیرا جامعه اسلامی وظیفه دارد با بکارگیری سیاست های اصولی و بینش صحیح ، ساختار نظام مالی جامعه را به سوی استقلال و خود کفایی سوق دهد. در این راستا حکومت وظایف بسیار سنگینی از لحاظ اجرایی و هدایت امور جامعه برعهده دارد. جهت تبیین نظام مالی جامعه ایجاد فرصت های شغلی ،گرفتن مالیات ،ایجاد عمران و آبادی در کشور، مصرف مالیات ها ،خمس و زکات حتی نحوه برخورد ماموران مالیاتی با مردم ،وجود فقر و فقرا در جامعه عدم تعدی و تجاوز به بیت المال ،از امور مهمی است که توسط زمامدارشایسته و صالح می تواند محقق شود.

ضرورت تبیین فقه حسابداری

چالش های حسابداری اسلامی در حسابداری مرسوم پوشش داده نشده اند و مقبولیت استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی (به عنوان نهاد پیشرو تدوین کننده استانداردهای حسابداری اسلامی)، نیز نیازمند بررسی است . چالشهای یادشده در دو دسته بنیادی و کاربردی قابل تقسیم هستند .ارائه پاسخ جامع و مقبول به این چالشها، نیازمند بررسی موضوع از هر دو منظر فقهی و حسابداری است. (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۸۹).

موضوع فقه حسابداری و توجه به آن در تصمیم گیری ها و اتخاذ سیاستهای لازم حسابداری تحت هر شرایطی، از اهمیت بالایی برخوردار است .در شرایطی که رکود و بحران و آثار ناشی از آنها در ساختار اقتصاد نمایان میشود، ضرورت تبیین فقه حسابداری بیشتر میگردد .وقوع بحران های مالی در کشورهای پیشرفته و سرایت تدریجی آن به سایر بازارهای مالی بین المللی، سبب شد تا تمامی دولتها به فکر چاره باشند و با استفاده از ابزارهای سیاستی مناسب، آثار منفی ناشی از بحران را کنترل نمایند . اینک هر کشوری با توجه به ساختار و وضعیت اقتصادی خود، چه نوع سیاست مالی را با در نظر گرفتن انضباط مالی در جهت تعدیل آثار و پیامدهای ناشی از بحران و رکود انتخاب نماید، دارای اهمیت ویژه ای است.

همواره رعایت انضباط مالی، قناعت و صرفه جویی از سوی مردم و مخصوصاً مسئولان به عنوان اولویت های مهم کشور میباشد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰). این مسئله نشانگر اهمیت مسایل مالی در شکل گیری تمدن ایرانی اسلامی است؛ همچنین بیانگر وضعیت روز کشور است که ایشان در سالهای متمادی به انضباط مالی و صرفه جویی به عنوان اولویت کشور اشاره نموده اند. این

مهم دست نیافتنی است مگر با گنجاندن اصول و مبانی فقهی در متن تدوین استانداردهای مالی و حسابداری در قالب هیات فقهی حسابداری در سازمان حسابرسی .

مهمترین شاخص حسابداری اسلامی

در حوزه مدیریت علمی - غربی مهمترین هدف حسابداری سود آوری است به عبارت دیگر مدیر با فراگیری ابزار علمی مدیریت موثرترین روشهای استفاده از منابع مادی و انسانی را اعمال می نماید، تا از این رهگذر به هدف خود یعنی سود بیشتر نائل آید. اما مدیر اسلامی هدف سود مداری را به هدف عالی تر حق مداری تبدیل می نماید و والاترین هدف قبول و پذیرش مدیریت را در جامعه اسلامی، احقاق حق و دفع باطل می انگارد.

از مهمترین شاخصه های حسابداری اسلامی جایگزینی اهداف توحیدی (معنوی) به جای اهداف سودآوری - دنیایی است که منتج به هدف اصلی تولید یعنی سود نخواهد شد، در حالی که اعمال مدیریت خدامدارانه از دیدگاه معصوم (ع) نه تنها اهداف آخرتی را تامین می نماید بلکه بعنوان محصول جنبی، دنیا را به ارمغان خواهد آورد چنان که امیر المومنان علی (ع) در حکمت ۸۹ می فرماید: ((.....کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد)) (انصاریان، ۱۳۹۵، ص. ۳۳۱) و همچنین آن حضرت در خطبه ۱۹۲ میفرماید: ((.....بنگرید آنها (مومنان پیشین) چگونه بودند هنگامی که جمعیتشان متحد، خواسته ها متفق، قلبها و اندیشه ها معتدل، دستها پشتیان هم، شمشیرها یاری کننده همدیگر، دیده ها نافذ و عزم ها و مقصودهایشان همه یکی بود، آیا مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ آیا زمامدار و رئیس همه جهانیان نشدند؟...)) (انصاریان، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۵).

حال مشاهده می شود دوری از احکام الهی و کاربرد نسخه های غربی و بیشتر از طریق سیاست های نامناسب حسابداری و مالی نبود فقه مربوطه لازم، موجب اختلال در بازارها و تشدید عدم تعادل در مسایل مالی می شود.

فقه حسابداری از دو دیدگاه قابل تأمل و بررسی است: ۱- دیدگاه کلان که در آن دولت، مقامات دولتی و بانک مرکزی سازمان حسابرسی و بورس موظف به اجرای انضباط مالی در قالب اصول و احکام اسلام در تصمیم گیری ها و انتخاب سیاستهای پولی و مالی در سطح کشوری هستند؛ ۲- دیدگاه خرد است که در این دیدگاه انضباط مالی در سطح هر مؤسسه، شرکت و بنگاهی که تحت نظارت مراجع قانون گذار باشد مورد توجه و اجرا قرار میگیرد.

تبیین فقه حسابداری لازم از منظر هر دو دیدگاه خرد و کلان، در مجموعه ارکان یک نظام اسلامی از جنبه های گوناگون، ارزشمند و با اهمیت است و در نهایت بهبود محیط کسب و کار و پیشرفت را در پی دارد. کارایی یک سیستم مالی منوط به کارایی بازارهای چهارگانه اقتصاد یعنی بازارهای کالا و خدمات، بازار کار، بازار پول و بازار سرمایه است. زیرا عملکرد هر سیستم مالی، برآیند کنش متقابل و همزمان این بازارهاست و سیاستهای اقتصادی کشور عمدتاً از طریق سیاستهای نامناسب مالی و نبود فقه حسابداری لازم باعث اختلال در این بازارها و تشدید عدم تعادل در نظام مالی شده است .

فقه حسابداری نه تنها به هنگام وقوع رکود و بحران در اتخاذ سیاستهای پولی و مالی جهت مقابله با آثار ناشی از بحران، بلکه در شرایط عادی نیز دارای اهمیت است و باید به آن توجه کافی شود. هر چه ابزار متنوع تر و کارآمدتری از انضباط مالی با استناد احکام الهی در یک کشور به کار گرفته شود، آن کشور در مواجهه با مشکلات اقتصادی و یا بروز بحرانهای اقتصادی، آسیب پذیری کمتری خواهد داشت.

جهان بینی اسلامی حسابداری

در جهان بینی اسلامی، نوعی نگرش دوجانبه به دنیا و آخرت وجود دارد. آخرت نیز همانند دنیای مادی واقعیتی انکارناپذیر است، اما دنیا واقعیتی گذرا و محدود دارد. خداوند آفریننده آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست (سجده: ۴). انسان خلیفه الله در زمین

است (بقره: ۳۰) و تمام موجودات (اعم از انسانها، حیوانات، عالم ماده و طبیعت) امانتی است در دست او، اوست که مورد محاسبه قرار میگیرد. لذا امکانات و سرمایه‌های مادی و معنوی باید در مسیر هدایت الهی مورد استفاده قرار گیرند. سیاست، علم و مسایل مالی و هر تلاش انسانی باید متضمن کسب سعادت در جهان آخرت باشد و حسابداری نیز از این مقوله مستثنا نیست. درحالی که سامانه‌های مالی کلاسیک بر جنبه‌های اقتصادی و مالی تمرکز دارند، نظام مالی اسلامی بر مسائل اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و مذهبی نیز تأکید مشابهی دارد تا جامعه از برابری و وضعیت مناسب در سطح عمومی برخوردار شود. جهانبینی میتواند بر ارزشها اثر بگذارد (ارزشها نیز روی هنجارها مؤثرند) و این عینیت و تغییر در آنها برای حسابداری دارای کاربردهایی است. لذا ارزشها و جهانبینی‌های گوناگون به حسابداری‌های مختلف منجر میگردد. در نتیجه، سازمان‌های اقتصادی در جامعه اسلامی که تحت جهان-بینی اسلامی فعالیت مینمایند، به نوع متفاوتی از حسابداری نیاز دارند (غلامی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۴).

ادبیات حسابداری اسلامی

ادبیات حسابداری اسلامی به دودسته ادبیات مدرن و غیرمدرن قابل تقسیم هستند. بخش ادبیات غیر مدرن شامل ادبیات فقه معاملات است. نگارش ادبیات غیرمدرن از زمان پیامبر اعظم (ص) آغاز و تاکنون در کشورهای مختلف ادامه داشته است. محققان دینی مسائل مختلف مربوط به رویه‌های مالی مسلمانان را مورد بررسی قرار داده اند و منابع غنی در این زمینه موجود است. منابع موجود در این زمینه غالباً به زبان های عربی، فارسی، ترکی بوده و منبع انگلیسی زیادی به چشم نمی خورد. ادبیات انگلیسی حسابداری اسلامی در سال ۱۹۲۱ با چاپ نخستین مقاله با موضوع کشف نیازهای حسابداری عملیات به دلیل توسعه رویه مالی و ایجاد تقاضا برای تحقیقات حسابداری پرداختند. اما داستان ادبیات عربی متفاوت است، در این حوزه محققان بیشتر به تشریح تاریخ حسابداری اسلامی در کشورهای اسلامی و تدوین نظریه حسابداری اسلامی پرداختند.

بخش ادبیات مدرن طی سه یا چهار دهه اخیر ایجاد شده است. این بخش به زبان انگلیسی و در پاسخ به تأمین مالی اسلامی و چالش های مربوط به رشد این حوزه ها شکل گرفت. ادبیات مدرن مربوط به حسابداری اسلامی را میتوان به 3 بخش تقسیم نمود: دسته نخست شامل مقالات مربوط به تشریح اصول گسترده سامانه حسابداری اسلامی و تعدیل نیازهای آن است مانند مقالات حنیفه و حدیب، چاپ شده در سال ۲۰۰۷. گروه دوم، مقالات مربوط به رویه های حسابداری عملیات بانکداری اسلامی را در بر می گیرد مانند مقاله کریم، ۱۹۹۵ و مقالات گروه سوم به حسابداری و مسئول کنترل و نظارتی می پردازند مانند مقاله (عبدالرحمان و شریف، ۲۰۰۳، ص. ۱۵-۱) ادبیات مدرن، ادبیات حسابداری از دیدگاه اسلامی و موضوعات مختلف دیگری از قبیل مسئولیت پاسخگویی و زکات را در برمی گیرد.

شاهول حمید محمد ابراهیم در سال ۲۰۰۰، در دانشگاه داندی اسکاتلند رساله دکترای خود را با عنوان نیاز به حسابداری اسلامی، ارائه نمود. وی ضمن تبیین نظام حاکم بر اقتصاد و حسابداری غرب، با استفاده از ابزار پرسشنامه به ارائه اهداف و مفاهیم حسابداری اسلامی پرداخت. باچری در سال ۲۰۰۱، در دانشگاه ساری انگلستان به بررسی دیدگاه صحیح و منصفانه از منظر اسلامی را به عنوان رساله دکترا، انتخاب نمود؛ وی با استفاده از ابزار پرسشنامه، استفاده از استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی اسلامی را متضمن تحقق دیدگاه صحیح و منصفانه در حسابداری اسلامی معرفی نمود. طلال الجدیبی در سال ۲۰۱۴، موضوع اندازه گیری به ارزش متعارف در نهادهای مالی اسلامی، را برای اخذ درجه دکترا از دانشگاه لندن، انتخاب نمود و با استفاده از ابزار پرسشنامه، ارزش متعارف را برای اندازه گیری در حسابداری اسلامی مناسب دانست. در ایران نیز تاکنون پژوهش ها و مطالعات زیادی در حوزه بانکداری اسلامی صورت پذیرفته است. ولی در حوزه حسابداری و گزارشگری مالی نظام مزبور، تحقیقات زیادی انجام نشده است. از جمله تحقیقات انجام شده در ایران، پژوهشی است که شکرخواه برای اخذ درجه دکترا در دانشگاه علامه طباطبایی و به راهنمایی دکتر باباجانی در سال ۱۳۹۱، در مورد مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در

ایران انجام داده است. براساس یافته‌های این پژوهش دلفی، تئوری وجوه و حسابداری حسابهای مستقل برای حسابداری اسلامی مناسب دانسته شده‌اند. رضا غلامی جمکرانی و همکارانش در سال ۱۳۹۳ طی پژوهشی با بهره‌گیری از روشهای تفسیری، انتقادی و دلفی ضرورت وجود چارچوب نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی را تبیین نمودند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای بر این باورند که تفاوت اصول اقتصادی- اجتماعی واحدهای تجاری اسلامی نسبت به واحدهای تجاری اقتصاد سرمایه‌داری و عدم کفایت تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان مسلمان و واحدهای تجاری اسلامی توسط گزارشگری مالی مرسوم، ضرورت بازنگری و تدوین چارچوب نظری با رویکردی اسلامی به مثابه قانون پایه گزارشگری مالی اسلامی را می‌طلبد تا بتوان زمینه جذب اعتماد سرمایه‌گذاران مسلمان و جامعه اسلامی را فراهم آورد. حجت ا. صیدی نیز در سال ۱۳۸۷ رساله دکتری خود را در دانشگاه علامه طباطبایی و به راهنمایی دکتر باباجانی با موضوع ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه اسلامی؛ نمونه موردی ایران، ارائه نمود. براساس نتایج این پژوهش دلفی نیز تئوری وجوه و حسابداری حسابهای مستقل برای حسابداری اسلامی مناسب هستند. (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۹۵-۹۴).

سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ضمن پذیرش و تطبیق اهداف استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با شریعت اسلام، اهداف حسابداری بانکها و نهادهای مالی اسلامی را به شرح زیر بیان مینماید:

- ۱- تعیین منافع و تعهدات همه اشخاص ذینفع، از جمله حقوق و تعهدات ناشی از معاملات و سایر رویدادهای تکمیل نشده، طبق اصول شریعت اسلامی و مفاهیم مطلوبیت، نیکوکاری و رعایت ارزشهای تجارت اسلامی،
- ۲- کمک به حفاظت از داراییها و حقوق بانک اسلامی و همچنین حقوق دیگران،
- ۳- کمک به ارتقای قابلیت مدیریتی و تولیدی بانک اسلامی و تشویق به انطباق آن با اهداف و سیاستهای تدوین شده و بالاتر از همه رعایت شریعت اسلامی در همه معاملات و رویدادهای آن،
- ۴- ارائه اطلاعات مهم به استفاده‌کنندگان این گزارشها، جهت کمک به آنان برای تصمیم‌گیری درست در معامله با بانک های اسلامی.

همچنین به طور مثال سازمان دو مفهوم کلیدی رجحان محتوا بر شکل و ارزش زمانی پول را مقبول نمیداند و تأکیدات زیادی بر ارزش متعارف، زکات، مضاربه، مشارکت، اندازگیری های بعدی سرمایه، عقد مشارکتی، افشا و... دارد.

محاسبه در فقه حسابداری

محاسبه یعنی برآورد کردن و حساب کردن، محاسبه در فرهنگ اسلامی دارای تأکید بسیاری است. ما در این مقاله کوتاه به بررسی مفهوم فقهی محاسبه در اصطلاح فقه حسابداری می‌پردازیم. محاسبه از ریشه «حسب» و بر وزن مفاعله است که معنای سنجش کردن، برآورد کردن و حساب کردن می‌دهد. که در حسابداری هم می‌گوییم شناسایی، ثبت، طبقه بندی، تلخیص و گزارشگری مالی.

محاسبه دو معنای اصطلاحی دارد:

معنای اول: محاسبه کردن اعمال سازمان یا شرکت در پایان سال مالی است. که در بیشتر آیات مربوط به محاسبه در قرآن کریم نیز همین معنا را دارند.

معنای دوم: برآورد و حسابرسی عملکرد روزانه میباشد. محاسبه نفس یکی از مراحل چهارگانه ایست که توسط بزرگان و عرفا برای پاک ماندن از گناه توصیه شده است.

بیشتر روایات رسیده از حضرات معصومین علیهم‌السلام در مورد محاسبه، همین محاسبه نفس را مدنظر دارند که ما این مراحل را تعمیم به عملکرد شرکت مینماییم:

این مراحل چهارگانه عبارت است از مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه. حسابدار تائب در ابتدای روز مشارطه می‌کند که مرتکب خلاف قوانین فقهی و مالی نشود و در طول روز نیز در حال مراقبه است تا بتواند به مشارطه خود عمل کند. و در پایان روز نیز محاسبات لازم که همان بررسی عملکرد سازمان یا شرکت میباشد را در آن روز انجام میدهد. همان‌طور که گفته شد محاسبه محتاج پیش‌نیاز است و آن همان مشارطه و مراقبه است که گفته شد. در واقع کسی که مشارطه و مراقبه نموده و در پایان آن روز اعمال روزانه خود را محاسبه می‌کند می‌تواند نقاط ضعف سازمان خود را شناسایی کند. هرچند محاسبه بدون مشارطه و مراقبه هم امکان‌پذیر است و در روایات اسلامی هم لازمه محاسبه را مشارطه و مراقبه ندانسته‌اند. در واقع خود محاسبه، مراقبه و مشارطه خواهد آورد چراکه خاصیت محاسبه بروز بدون اطلاعات و رفع کاستی‌های موجود است.

ثمرات محاسبه

اصلی‌ترین و مهم‌ترین ثمره‌ی محاسبه اصلاح است امام علی علیه السلام می‌فرماید: *ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ* نتیجه محاسبه اصلاح نفس است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۲۵۸).

ثمره‌ی دیگر محاسبه، یافتن نقطه ضعف‌هاست. شرکت تائب هنگام محاسبه درمی‌یابد که چه عامل یا عواملی باعث می‌شود تا حالت مراقبه جایش را به حالت غفلت بدهد. شرکتی که پایبند به محاسبه است می‌تواند به مرور زمان اثرش را در عملکرد روزانه خود ببیند. شرکت تائب می‌تواند پس از یافتن نقطه ضعف‌های خود به از بین بردن آن نقاط ضعف پردازد. این نقاط ضعف می‌تواند شرکت را به خوبی متوجه اشتباهات خود و علل آن‌ها کند. مثلاً اگر در طول روز یا دوره لغزشی سرزد در مرحله محاسبه می‌تواند علت و پیش‌زمینه ارتکاب آن لغزش را پیدا کند و در مراحل بعد آن علت‌ها و پیش‌زمینه‌ها را از بین ببرد.

نسبت برخی از احکام دینی با مسایل مالی:

باتوجه به آیه ۳ سوره مائده "الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا" امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خدا را بر شما تمام نمودم؛ به این معناست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با استفاده از نیروی وحی، آخرین مرحله کمال را با تمام شرایط و خصوصیات در اختیار بشر حق جو قرارداد و موانع کار را نیز از سرراه آن‌ها برداشته، به طوری که دیگر هیچ نقصی تا قیامت برای راهنمایی انسان باقی نمانده است: *وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* (انعام: ۱۱۵) و کلام پروردگار تو با صدق و عدل به حد تمام رسیده؛ هیچ کس نمیتواند کلمات او را دگرگون سازد و از طرف دیگر، وجوب ایدئولوژیک به دلیل انگیزه ما برای تشکیل حکومت جهانی و طرح مدیریت مبتنی بر وحی، تبلور کمال دین را در اسلام دانسته و لذا به بررسی حسابداری اسلامی یا فقه حسابداری می‌پردازیم.

اخلاق تجارت حلال از نگاه آیات و روایات

تجارت و خرید و فروش امری حلال است. "واحل الله البيع" خدا بیع را حلال کرده... (بقره: ۲۷۵). "يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا" خداوند، ربا را نابود می‌کند (بقره: ۲۷۶).

"الا ان تكون تجرة حاضرة تديرونها بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا اذا تباعتم" مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید (بقره: ۲۸۲).

"ياايها الذين ءامنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجرة عن تراض منكم" ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد (نساء: ۲۹). آیه مزبور بر اباحه

تجارت دلالت دارد (مقدس اردبیلی، ۹۹۵ق، ص. ۵۴۳). این جمله، استثنایی است از قانون کلی سابق، ولی به اصطلاح "استثناء منقطع" است یعنی آنچه در این جمله آمده مشمول قانون سابق، از آغاز نبوده است و تنها به عنوان یک تاکید و یادآوری ذکر شده، آن هم به نوبه خود یک قانون کلی است زیرا می‌فرماید: مگر اینکه تصرف شما در اموال دیگران از طریق داد و ستدی باشد که از رضایت باطنی دو طرف سرچشمه بگیرد، طبق این بیان، تمام مبادلات مالی و انواع تجارت‌ها که در میان مردم رایج است چنانچه از روی رضایت طرفین صورت گیرد و جنبه معقول و منطقی داشته باشد از نظر اسلام مجاز است (مگر در مواردی که بخاطر مصالح معینی، نهی صریح از آن شده است). (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج. ۳، ص. ۳۹۵).

"رجال لا تلهيهم تجره ولا بيع عن ذكر الله... " مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. (نور: ۳۷).

تجارت، از اسباب شرعی نقل و انتقال اموال می‌باشد.

ياايها الذين ءامنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجره عن تراض منكم... (نساء: ۲۹).

نهی از معاملات نافله، یعنی معاملاتی که نه تنها مجتمع را به سعادت و رستگاریش نمی‌رساند، بلکه ضرر هم می‌رساند، و جامعه را به فساد و هلاکت می‌کشاند، و این معاملات باطل از نظر دین عبارتند از: امثال ربا و قمار و معاملات کتراهی که طرفین و یا یک طرف نمی‌داند چه می‌دهد و چه می‌گیرد، حدود و مشخصات کالا و یا بها مشخص نیست.

رعایت تقوا، در تجارت و مبادلات اقتصادی ضروری است.

"ياايها الذين ءامنوا اذا تدايتم بدين الى اجل مسمى فاكتبوه... الا ان تكون تجره حاضرة تديرونها بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها... فانه فسوق بكم واتقوا الله.. (بقره: ۲۸۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید... و هر گاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی ننویسید مرتکب گناهی نشده‌اید. و چون معامله‌ای کنید، شهادی بگیرید. و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد، که اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. از خدای بترسید."

شروع تجارت با یاد خدا :

"فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" (جمعه: ۱۰) پس هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید... در فرهنگ قرآن، مال دنیا فضل الهی است، لذا در این آیه می‌فرماید: «و ابتغوا من فضل الله»، بعد از پایان نماز جمعه، به سراغ فضل خدا یعنی درآمد و تجارت بروید. چنانکه در جای دیگر، آن را «خیر» شمرده و می‌فرماید: «ان ترک خیر الوصیة» اگر کسی خیری باقی گذارده، وصیت کند که در اینجا مراد از خیر، مال دنیاست. پیامبر اکرم فرمود: هرکس در بازار و محل کسب و کار با اخلاص خدا را یاد کند، در حالی که مردم از خدا غافلند و به کارهای خود مشغولند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می‌کند و روز قیامت او را مورد مغفرت و ویژه خویش قرار می‌دهد. نشاط انسان برای عبادت باید بیش از نشاط او برای کسب درآمد باشد. درباره عبادت فرمود: « فاسعوا الى ذكر الله » و در این آیه درباره تجارت می‌فرماید: « و ابتغوا من فضله » هر دو کلمه « فاسعوا » و « ابتغوا » به معنای تلاش و حرکت است، لیکن در آیه اول واژه « سعی » و حرف « فاء » وجود دارد که عشق و نشاط و سرعت در آن نهفته است.

فضل الهی گاهی مادی و گاهی معنوی است. در آیه چهارم همین سوره درباره بعثت پیامبر فرمود: «ذلک فضل الله یؤتیه من

یشاء» و در این آیه درباره کسب و کار و تجارت می‌فرماید: «و ابتغوا من فضل الله». (قرآنی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶-۲۷)

پیام ها

زمان تعطیلی کسب و کار و تجارت به خاطر عبادت، نباید زیاد به درازا کشیده شود. (در آیه قبل، فرمان ترک داد و ستد صادر شد و در این آیه بلافاصله پس از انجام عبادت آن منع برطرف شد). « فاذا قضیت الصلاة فانتشروا فی الارض... » خداوند، تعطیل بازار مسلمانان و رها کردن کار، حتی در یک روز کامل را نمی پسندد. « فاذا قضیت الصلاة فانتشروا » کسب درآمد و دریافت فضل الهی، نیاز به هجرت و حرکت و مسافرت در زمین دارد. « فانتشروا فی الارض » در انجام عبادت سرعت بگیرید، «فاسعوا» ولی در کار مادی به سراغ آن روید و نیازی به عجله نیست، زیرا رزق نزد خداوند مقرر است. « و ابتغوا »

لطف و فضل خداوند بسیار است ولی انسان باید برای به دست آوردن آن تلاش کند. « و ابتغوا من فضل الله » در اسلام، تن پروری ممنوع است. « و ابتغوا من فضل الله » دنیا، گوشه ای از فضل الهی است. «من فضل الله»

رستگاری، در سایه انجام فرمان‌های الهی است. «فاسعوا... ذروا... وابتغوا... واذکروا... لعلکم تفلحون» تلاش برای رسیدن به امور معنوی و مادی، هر دو فرمان خداست. در آیه قبل فرمود: «فاسعوا الی ذکر الله» و در این آیه می فرماید: «و ابتغوا من فضل الله».

اگر داد و ستد با اراده انسان باشد معامله ای بیش نیست، «و ذروا البیع»، اما اگر بعد از انجام عبادت به سراغ داد و ستد رفتیم، به فضل الهی تبدیل می شود. «و ابتغوا من فضل الله»

تلاش برای دنیا نباید همراه با غفلت از یاد خدا باشد. «و ابتغوا من فضل الله واذکروا الله كثيراً».

اسلام هم خواهان کیفیت در عبادت است، «فی صلاتهم خاشعون» و هم به دنبال کمیت است. «واذکروا الله كثيراً».

«و ابتغوا من فضل الله واذکروا الله كثيراً» آنجا که زمینه غفلت و لغزش بیشتر است مثل بازار، یاد خدا ضروری تر است.

یاد خدا در همه حال لازم است، چه در حال عبادت، «فاسعوا الی ذکر الله» و چه در حال تجارت. «و ابتغوا من فضل الله واذکروا الله».

«فاسعوا... و ابتغوا... واذکروا... لعلکم تفلحون» انسان با عملکرد و انتخاب خوب خود می تواند زمینه رستگاری را فراهم آورد. «واذکروا الله كثيراً لعلکم تفلحون» یاد خدا، زمانی عامل رستگاری می شود که مداوم و مستمر باشد.

به پیامبر خدا(ص) گفته شد، خوب است برای ما قیمت بگذاری؛ زیرا قیمت‌ها بالا می‌روند و پایین می‌آیند. پیامبر فرمود: «من، چنان نیستم که خدا را دیدار کنم، در حالی که بدعتی نهاده باشم که او مرا در آن مُجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند، و هر گاه از شما اندرز خواستم، اندرزم دهید» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج. ۳، ص. ۲۶۸).

در سال قحطی، به پیامبر(ص) گفتند: ای پیامبر خدا! برای ما قیمت تعیین کن. پیامبر فرمود: «خداوند، مرا به سبب بر نهادن سنتی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده، بازخواست نخواهد کرد؛ اما فضل خدا را طلب کنید [تا قحط‌سالی از شما بگذرد]» (ابو نعیم إصبهانی و أحمد بن عبد الله، ۱۹۱۴ق، ج. ۴، ص. ۱۹۰۴).

فرمان جاری کردن قیمت‌های عادلانه: امام علی(ع) در نامه ۵۳ خود به مالک اشتر نخعی، آن‌گاه که او را به کارگزاری مصر گماشت، فرمود: «از احتکار باز دار؛ چرا که پیامبر خدا، آن‌را منع فرمود. و باید خرید و فروش، آسان و بر موازین عدل باشد، با قیمت‌هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۳۸).

امام خمینی نیز می‌نویسند: «و اما قیمت‌گذاری، در ابتدا جایز نیست؛ لیکن اگر فروشنده اجحاف کند، به ناچار باید قیمت را کاهش دهد، وگرنه حاکم شرع، او را ناچار می‌کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاح‌دید حاکم، بفروشد. پس روایات دلالت‌کننده بر جایز نبودن قیمت‌گذاری، شامل این قبیل نمونه‌ها نمی‌شوند؛ زیرا در این حال، قیمت نگذاشتن، به احتکار منجر می‌شود، همان‌گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد، بدون اشکال حاکم شرع، حق تصمیم‌گیری دارد و آن روایات، شامل این حالت نمی‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج. ۳، ص. ۶۱۳).

اگر به این تحلیل‌ها توجه کنیم؛ نتیجه می‌گیریم که فتوای جایز نبودن قیمت‌گذاری، به قیمت‌گذاری در مقابل قیمت طبیعی نظر دارد؛ اما فتوای جواز، مربوط به قیمت‌گذاری و تعیین قیمت خاص در مقابل قیمت غیر طبیعی، به انگیزه رویارویی با عوامل ساختگی و ماورای افزایش قیمت‌ها به صورت وهمی و غیر واقعی است. بر این مبنا، میان فتوای فقیهان درباره قیمت‌گذاری، ناسازگاری یافت نمی‌شود.

ربا در لغت به معنی افزونی است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج. ۵، ص. ۱۲۶). و در اصطلاح فقها گرفتن زیادی در معامله اشیای ربوی و یا در قرض می‌باشد و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد نیز ربا گفته شده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج. ۴، ص. ۲۶۵).

برخی، ربا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: بیع یا معاوضه یکی از دو عوض همجنس پیمان‌های یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط زیادی (شهیدثانی، ۱۳۸۱، ج. ۳، ص. ۳۱۶).

با توجه به تعریف یاد شده، ربا در شرع مقلّس دو مصداق دارد: یکی معامله دو کالای همجنس با زیادی در یک طرف و دیگری قرض دادن به شرط زیادی. از اولی به ربای معاملی و از دومی به ربای قرضی تعبیر می‌کنند (حلی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲، ص. ۸۵-۸۶).

حکم ربا در قرآن

ربا به نص قرآن کریم، حرام و رباخواری اعلان جنگ با خدا و رسولش شمرده شده است (بقره: ۲۷۵).

در روایات نیز در ردیف بزرگ‌ترین گناهان کبیره شمرده شده است (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج. ۱۸، ص. ۱۱۷).

حرمت ربا ضروری دین است؛ از این رو، انکار حرمت آن موجب ارتداد است (حلی، ۱۴۰۴ق، ج. ۱۰، ص. ۱۳۳). در حرمت ربا فرقی بین گرفتن و دادن آن نیست؛ چنان‌که نوشتن قرارداد معامله ربوی و گواهی دادن بر آن نیز حرام است (یزدی، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۳).

آثار ربا

برخی از آثار منفی که برای ربا خواری برشمرده شده است عبارتند از:

ترک کار خیر و قرض دادن:

با رواج ربا و نزول در بین مردم یک جامعه، مهمترین چیزی که از این جامعه خواهد رفت، دادن قرض و وام‌های قرض الحسنه است. از بین رفتن مهر و محبت و عاطفه و حس احسان و کمک به دیگران یکی از آثار سوء ربا و نزول است. با رواج این نوع کسب سود دیگر حتی برادر به برادر، دوست به دوست خود هم پولی را قرض نمی‌دهد و تنها ملاک برای کمک به دیگران و قرض، دریافت سود بیشتر خواهد شد که در این شرایط دیگر روابط انسانی و عاطفی به سمت کم رنگ شدن و نابودی خواهد رفت.

مشکلات فردی، عصبی:

از جمله آثار فردی گرفتن ربا و نزول، ایجاد مشکلات روحی و روانی است، چرا که در غالب موارد دریافت نزول و ربا و پرداخت سود و اصل پول بیش از حد توان فرد است و فرد همیشه این نگرانی و استرس را در پرداخت آن دارد و همیشه دغدغه ای فکری او را آزار می دهد. افرادی که امروزه از بانک ها و یا شرکت های دولتی و خصوصی پول و یا کالایی را اقساط و یا به صورت وام دریافت کرده اند این مطلب را بخوبی درک می کنند.

راکد ماندن کار و فعالیت اقتصادی:

با رواج ربا و نزول، شخص دارنده ثروت به دنبال کسب و کار و تولید و فعالیت اقتصادی نخواهد رفت، از آن جهت که به هر حال سرمایه گذاری در تولید و فعالیت اقتصادی ریسکی دارد ولو ریسک کم. اما دادن پول خود به صورت ربوی و نزولی هیچ ریسکی نداشته و سود مشخص را طلب می کند و تضمین مطمئنی را هم برای اصل و سود آن می گیرد. از طرفی هم، شخص دریافت کننده ربا با توجه به سودی بالایی که قرار است پرداخت کند، حتی اگر کار تولیدی و اقتصادی خوبی را هم با آن انجام دهد، چندان موفق نخواهد شد. چرا که سود حاصل از تولید به جای صرف در خود تولید به اموال فرد ربا دهنده افزوده خواهد گشت.

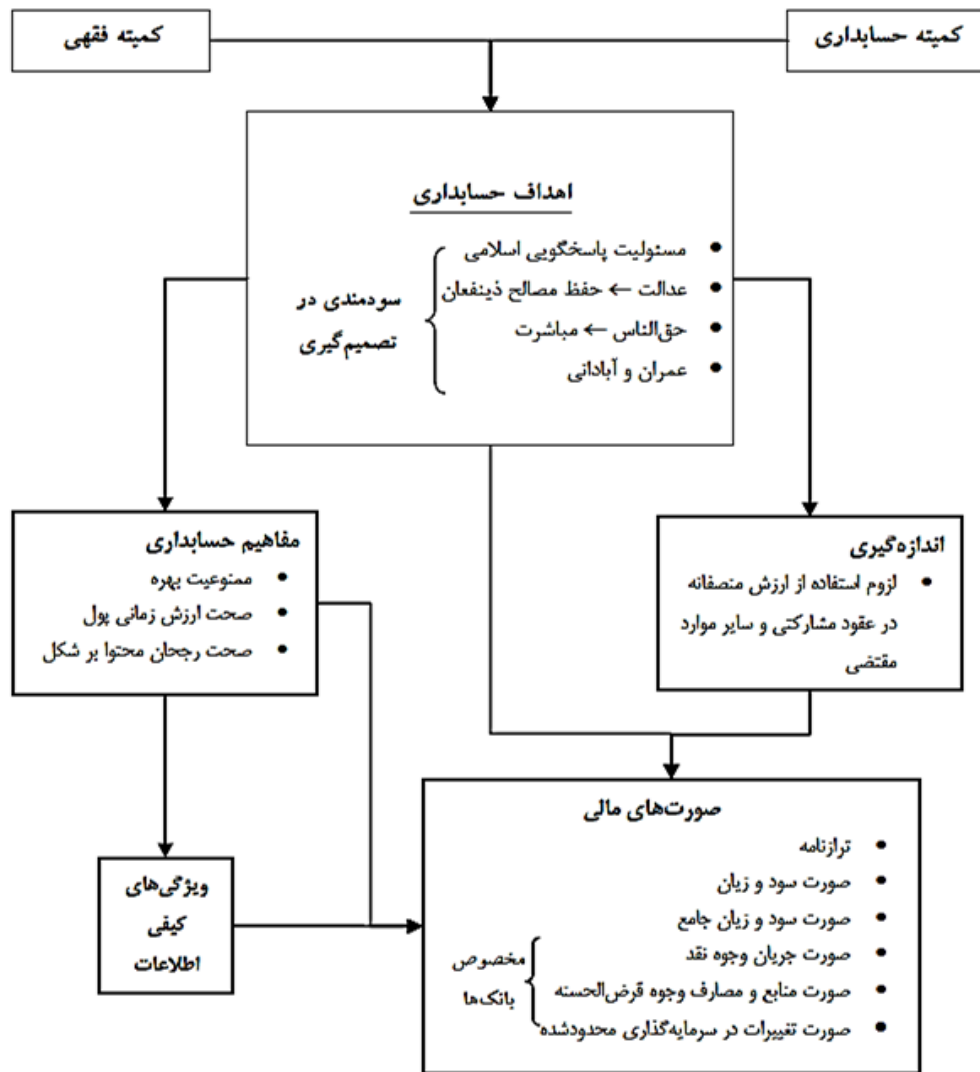
ایجاد فاصله طبقاتی:

ایجاد فاصله و شکاف طبقاتی مشخص ترین و واضح ترین آثار ربا و نزول است. در این فضا شخص ربا دهنده سود خود را دریافت می کند و اصل سرمایه اش هم تضمین شده است و روز به روز بر سرمایه اش افزوده می شود و شخص ربا گیرنده هم هر چه سود کند باید به ربا دهنده دهد و علاوه بر آن اصل سرمایه اش هم ممکن است از بین برود، در این شرایط روز به روز این شکاف و فاصله طبقاتی بیشتر و بیشتر خواهد شد.

تورم:

وقتی ربا و وام های با سود ربوی درکار باشد، صنایع و تولیدی ها که مجبور به گرفتن چنین ربایی هستند، کم کم شاهد بالا رفتن هزینه خود خواهند شد، تولید کننده بخش اعظم سود خود را به ربا خوار و یا همان مرجع و سازمان وام دهنده خواهد داد، سود کم مانده برای تولید کننده، یا موجب افزایش هزینه کالا می شود و یا باعث نابودی تولید کننده، که هر دو حالت باعث تورم و بی ثباتی در تولید و اقتصاد می شود و در پی آن اقتصاد جامعه به اقتصادی بیمار تبدیل خواهد شد.

در آخر مدل ارائه شده توسط (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۷) که نشان دهنده اغلب اصول و مولفه های حسابداری اسلامی است جهت مطالعه و یادآوری ارائه میگردد:



نتیجه گیری

اسلامی سازی حسابداری، نیازمند تغییرهای اساسی در زیرساخت های علمی، فرهنگی و مؤسسات آموزشی کشور به عنوان یکی از پیش زمینه های تحقق تمدن سازی نوین اسلامی بر پایه آموزه های الهی است؛ فرایند عمیق و گسترده ای که با هزینه های بسیار همراه است؛ از این رو برای تبدیل حسابداری سکولار به حسابداری اسلامی، افزون بر اثبات نواقص آنچه موجود است، باید قوت و برتری آنچه باید جایگزین گردد به حد ضرورت رسیده باشد تا بتواند توجیه گر هزینه ها گردد؛ به خصوص اگر نظرها گوناگون و مخالفت ها فراوان باشد؛ پس لازم است ضرورت آن با تکیه بر قوی ترین منبع اسلامی، یعنی قرآن کریم و مستند به استوارترین برداشت ها از آن اثبات شود. از منظر طرفداران اسلامی سازی، آیات قرآنی و مبانی مسلم دینی ظرفیت این امر را داراست؛ بنابراین ضرورت دارد علمی همانند حسابداری و مدیریت با آموزه های وحیانی تهذیب، تکمیل یا از اساس بر پایه آموزه های دینی و تجارب بشری تأسیس شوند؛ اسلامی کردن نظام مالی را میتوان با بررسی لوازم مؤلفه هایی چون جامعیت، جاودانگی، کمال دین، تعریف دین، اهداف دین و موارد دیگر، را از برداشت های قرآنی کشف نمود. مرحله نخست پاکسازی، پاکسازی حسابداری از آلودگی های تمدن غربی و غوطه ورسازی علوم در مفاهیم کلیدی فرهنگ اسلامی است. به عبارت دیگر، باید آن ناخالصی ها و انحرافات را سترد و بر اساس اندیشه اسلامی به سازماندهی و تدوین حسابداری پرداخت. در این فرآیند، ممکن است امور و عناصری نیز به علوم افزوده شود. آنچه امروزه صورت بندی شده و به عنوان علوم در دانشگاهها و مراکز دیگر رواج یافته است. آمیخته و آغشته با ویژگیهای فرهنگ و تمدن غربی است. علوم مالی باید با مفاهیم کلیدی فرهنگ اسلامی آغشته شوند. این فرآیند، علم حسابداری را به صورت «شناخت راستین» در می آورد. وظیفه بعدی ما، صورت بندی و تکمیل عناصر و مفاهیم کلیدی اسلامی به صورتی است که ترکیبی از آن پدید آید که مشتمل بر هسته شناخت باشد و بتواند در نظام تعلیم و تربیت، از پایین ترین درجات تا بالاترین آنها گسترش یابد و مبناهایی در هر درجه به وجود آورد؛ به عبارت دیگر، اگر لایه های مختلف علم (رشته های گوناگون علوم) یا «شناخت» را به صورت دایره های متحدالمرکز تصویر کنیم، هسته مرکزی آنها، تفسیر و تأویل قرآن، سنت، شریعت (فقه)، کلام، مابعدالطبیعه اسلامی (تصوف) است. اکنون باید علوم حسابداری بر محور هسته مرکزی شناخت و در لایه های حول هسته مرکزی شناخت قرار گیرند. پس در این راستا نیاز به اقدامات عملی توسط مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان پرچم دار اسلام ناب محمدی میباشد تا با تقویت کمیته فقهی مشترک با همکاری سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی، سازمان حسابرسی و وزارت اقتصاد نسبت به بازنگری استانداردهای حسابداری بین المللی و داخلی و بومی سازی آن از نظر ایرانی و اسلامی نه در شعار بلکه در عمل در قالب رهنمود های فقهی استانداردها اقدام نماید.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۸ق). **لسان العرب**، بيروت: دارالبحوث العلميه، ج ۵ ص ۱۲۶ .
- إصبهانی ابو نعیم ، أحمد بن عبد الله (۱۴۱۹ق). **معرفة الصحابة**، تحقیق: عزازی، عادل بن یوسف، چاپ اول جلد ۴، دار الوطن ریاض ص ۱۹۰۴ .
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹). **کتاب البیع**، چاپ اول تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ج ۳ ص ۶۱۳ .
- باباجانی، جعفر و شکرخواه، جواد (۱۳۹۱). **مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران** فصلنامه بورس اوراق بهادار شماره ۱۷، سال پنجم، ص ۱۶۳-۱۹۲ .
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵ .
- جزری ابن اثیر ، علی بن ابی الکریم (۱۹۹۹م). **اسد الغابة فی معرفة الصحابة**، محقق: معوض، علی محمد، عبد الموجود، عادل أحمد، چاپ اول دار الکتب العلمیه، ج ۳، ص ۹۰ .
- جعفری ، محمد تقی (۱۳۸۰). **ترجمه و تفسیر نهج البلاغه** ج ۹ مشهد انتشارات آستان قدس ص ۳۵ .
- حرعاملی (۱۴۱۴). **وسائل الشیعه**، ج ۱۸، ص ۱۱۷ .
- حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، جلد ۲، قم ناشر: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره) ، ص ۸۵-۸۶ .
- حلی، حسن ابن یوسف (۱۴۰۴ق). **تذکره الفقهاء**، قم، جلد ۱۰ نشر آل البيت ، ص ۱۳۳ .
- شیخ صدوق (۱۴۱۳). **من لا یحضره الفقیه**، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۳، چاپ دوم دفتر انتشارات اسلامی، قم، ص ۲۶۸ .
- شهیدثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، ج ۳ ص ۳۱۶ .
- صیدی، حجت ا .. (۱۳۷۸)، "ارائه مدلی برای گزارشگری مالی در بازار سرمایه اسلامی؛ نمونه موردی ایران " پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی .
- قرائتی، محسن، تفسیر قرآن کریم، انتشارات معارف ص ۲۶-۲۷ .
- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول (۱۳۹۱). **نهج ابلاغه**، گردآورنده: شریف الرضی، ترجمه: حسین انصاریان، قم آیین دانش ص ۲۰۵ و ص ۳۳۱ .
- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول (۱۴۱۴ق). **نهج ابلاغه** ، گردآورنده: شریف الرضی، محقق: صالح، صبحی، قم چاپ اول نشر هجرت، نامه ۵۳، ص ۴۳۸ .
- غلامی جمکرانی، رضا و نیکومرام، هاشم و رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۹۲). **ضرورت چارچوب نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی از منظر خبرگان حرفه ای و دانشگاهی**، ماهنامه تحقیقات مالی_اسلامی، سال سوم، شماره اول ص ۱۴ .
- مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، حسینی، سیدعلی و رام روز، علیرضا (۱۳۹۵). **ارایه مدل حسابداری اسلامی، با تاکید بر مبانی فقهی و چالشهای بنیادی**، فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت سال نهم، ش ۲۴، تابستان ۱۳۹۵ .
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد**، ج ۴ ص ۲۶۵ .

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). **بررسی اجمالی مبانی اقتصادی، انتشارات حکمت، ص ۴۲**.
- مقدس اردبیلی (۹۹۳ق). **زبدۀ البیان، تهران انتشارات بیتا، ص ۵۴۳**.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). **تفسیر نمونه، جلد ۳ نشر: تهران دارالکتب الاسلامیه، ص ۳۹۵**.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). **پیام قرآن، اخلاق در قرآن، جلد ۱، ص ۲۵۸**.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی (۱۳۹۲)، **تکملة العروة، ج ۱، ص ۳**.
- Abdul-Rahman, A. R., & Shariff, R. A. M. (2003). **“An Exploratory Study of Accounting on Ijarah as Practiced by Malaysian financial institutions”**. International Journal of Islamic Financial Services, 5(3), 1–15.
- Aljedaibi, talal (2014). **“Fair Value Measurement and Islamic Financial Institutions: The shariah perspective and the case of Saudi Banks”**, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy .
- Bucheery, Raja Ali M. (2001). **“True and Fairview – An Islamic perspective”**, thesis submitted for degree of PhD, university of Surrey.
- Haniffa, R., & Hudaib, M. (2007). **“Locating Audit Expectations Gap within a Cultural Context: The Case of Saudi Arabia”**. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 16(2), 179–206.
- Ibrahim, S. H. B. M. (2000). **“The Need for Islamic Accounting: Perceptions of Its Objectives and Characteristics by Malaysian Muslim Accountants and Accounting Academics”**. University of Dundee, Dundee.
- Karim, R. A. A. (1995). **“The Nature and Rationale of a Conceptual Framework for Financial Reporting by Islamic Banks”**. Accounting and Business Research, (100), 285–300.

Theoretical and practical cases of Islamization of accounting science with the theory of accounting jurisprudence

Considering that accounting jurisprudence is a new and important subject, this article is written with the aim of examining the jurisprudential model and Islamic ethics of accounting and its development from an Islamic point of view, and the research method is qualitative through the method of content analysis focusing on the verses of the Holy Quran and Jurisprudence and moral issues have been done. By posing this main question of the research, has the current accounting with national and international standards in terms of methodology, followed the correct path for the purpose of Islamic development? This research states that all the needs of growth and perfection are present in the religion of Islam, and only divine guidance can provide the means for their proper flourishing and guide them to the desired destination. Among the results of the research, we can point out the lack of research activities in the field of accounting jurisprudence and the lack of application of research methodology in terms of such things as sources used, validity and reliability, research method, society and sample of researches, in order to develop Islamic accounting. And this general conclusion was reached that all the problems are related to non-adherence to Islamic methods and methods in contrast to the strategies and methods of induction of international organizations. The basic strategy to get rid of these problems is to know the basics of Islam and social scientific movement to achieve scientific and practical results in this field (accounting jurisprudence).

Keywords: Accounting jurisprudence, ethics, Holy Quran, economy, market